

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره نهم، تابستان ۱۴۰۱، ص ۳۳۸-۳۵۳

نگرشی بر جایگاه امر به معروف و نهی از منکر با تأکید بر آموزه های قرآن کریم و احادیث

معصومین (ع)

سیدمحمدحسن هاشمی^۱

محمد مهدی کریمی نیا^۲

فاطمه دسترنج^۳

کیوان احسانی^۴

چکیده

بدون شک امر به معروف و نهی از منکر از احکام ضروری اسلام است و اهمیت آن، چنان است که از نظر برخی فقها واجب عینی و از نظر عده ای دیگر، واجب کفایی است که اگر کسی به انجامش مبادرت کرد، از عهده دیگران ساقط می شود. گرچه که تا به حال تحقیقات متعددی در این حوزه صورت گرفته است اما از مطالعه تاریخ اسلام بدست می آید که بزرگترین آمران به معروف و ناهیان منکر، امامان معصوم (ع) هستند که همچون چراغی درخشان راهنمای انسان های زمان خود بوده و هستند. زیباترین جلوه امر به معروف و نهی از منکر، قیام حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) است که این واقعه، رنگ و معنای خاصی به واژه مزبور می بخشد. این تحقیق، در پی آن است که نظر قرآن کریم و روایات معصومین (ع) را پیرامون این فریضه واجب جويا شود. از طرفی با بکارگیری یک روش توصیفی - تحلیلی بر مبنای یک رویکرد منطقی به دنبال آن بوده ایم تا غرض اصلی موضوع را هر چه بهتر برای خواننده بیان و ابهام زدائی شود. و با یک تحول در نگرش افراد، آن هم با تکیه بر قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) به عنوان دو منبع بزرگ دین اسلام، صورتی جدید از این مسئله ارائه بدهیم.

کلید واژه: امر به معروف و نهی از منکر، آمران به معروف، ناهیان از منکر، امر معروف در قرآن و روایات، امر به معروف و نهی از منکر در روایات.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، نویسنده مسؤل، smh134510@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم، kariminia@quran.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، F-dastranj@araku.ac.ir

۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، k-ehsani@araku.ac.ir

مقدمه

احکام دین اسلام آن چنان زیادند که اگر عمری را به خواندن و مطالعه آنها اختصاص دهیم و در آن تحقیق و تتبع داشته باشیم، همچون اقیانوسی است که هیچ گاه نمی‌توان به پایان آن دست پیدا کرد. تنها یکی از این امور، امر به معروف و نهی از منکر است که همان امر به خوبی‌ها و بازداشتن از بدی‌هاست. اهمیت این مسئله چنان است که سالار و سرور شهیدان امام حسین (ع)، هدف خود از نهضت حسینی و قیام کربلا را اصلاح جامعه و امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌دارد. تحقیقات زیادی نیز حول این محور صورت گرفته است. آنچه در این تحقیق در پی آنیم بیان نظر قرآن و احادیث پیرامون این فریضه بزرگ است. این یافته‌ها مبتنی بر یک روش توصیفی-تحلیلی و منطبق بر یک رویکرد عقل‌گرایانه و منطقی سازماندهی تا روشن گردد که این فریضه واجب آن قدر با اهمیت است که به تعبیر حضرت علی (ع)، خود به تنهایی مایه قوام و استواری دین است.

مفهوم شناسی

تعریف امر

این واژه به دو معنا آمده است: الف: کار و چیز؛ که در این صورت جمع آن هم امور است. ب: دستور دادن، فرمان و برانگیختن و جمع آن اوامر است و فعل و صفت از آن مشتق می‌شود. (عابدی میانجی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۹ و ۲۰).

تعریف معروف

راغب اصفهانی در تعریف این واژه می‌نویسد: معرفت و عرفان، شناخت چیزی از روی اندیشه و تدبیر به واسطه اثر آن است. (اصفهانی، ۱۳۸۱ق،، واژه عرف). و هر کاری که خوبی آن با عقل یا دین شناخته شود، معروف نام دارد و منکر چیزی است که با عقل یا شرع، انکار و تقبیح شود.

معروف صفت عربی به معنای شناخته شده، مشهور، نیکی و یا کار نیک معنا شده است. (عمید، ۱۳۹۳ش،، واژه معروف). معروف به معنای شناخته شده، شهرت یافته، کار نیک و عمل ثواب است. امر به آن هم به معنای، امر کردن کسان برای انجام واجبات شرعی، مقابل نهی از منکر است. (معین، ۱۳۹۱ش،، واژه معروف). معروف به معنای مشهور و شناخته شده و خلاف منکر است. و یا به معنای نامی، نامدار، بلندآوازه و سرشناس نیز آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷ش،، واژه معروف).

تعریف منکر

منکر هر کاری است که عقل‌های سالم به زشتی آن حکم کنند یا در زشتی و خوبی آن متوقف بمانند، ولی شرع به زشتی آن حکم صادر کند. (اصفهانی، ۱۳۸۱ق،، واژه عرف). «منکر» عبارت است از هر کار قبیحی که نهی شرعی بر آن تعلق گرفته باشد، اعم از تحریمی یا کراهتی. (ربانی، ۱۳۹۳ش،، ص ۲۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ق،، ج ۲۱، ص ۳۵۶). منکر به معنای کار یا رفتار ناپسند، بد و ناشایست و یا زشت بکار رفته است و یا به معنای خلاف معروف آمده است. (معین، ۱۳۹۱ش،، واژه منکر؛ دهخدا، ۱۳۷۷ش،، واژه منکر).

تعریف امر به معروف و نهی از منکر

«معروف» به معنای «شناخته شده» و «منکر» به معنای «ناشناس» است. کارهای نیک، اموری شناخته شده و کارهای زشت و ناپسند، اموری ناشناس معرفی شده‌اند، زیرا فطرت پاک انسان با دسته اول آشنا و با دسته دوم ناآشناست. (خسروپناه، ۱۳۹۸ش، ص ۴۴۵).

شیخ انصاری در تعریف امر به معروف و نهی از منکر می‌گوید:

«الامر بالمعروف والنهی عن المنکر هو طلب العمل بما جاءت فی الشریعة و الکف عما نهت عنه؛

یعنی امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از درخواست انجام دادن آن چه در شریعت آمده و خودداری از آن چه از آن نهی شده است». (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۰۰).

می‌توان گفت امر به معروف در واقع، امر به کار پسندیده و شایسته و نهی از منکر نیز، بازداشتن افراد از کارهای ناپسند و زشت است که از نظر عقل و شرع هم یک امر ثابت شده است.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

بعد از مشخص شدن مفهوم امر به معروف و نهی از منکر، نوبت بیان شرایط این فریضه الهی است. این عمل آن قدر ساده نیست که بدون مقدمه و مسائلی از این قبیل باشد و دارای شرایطی است که عبارتند از:

شناخت و معرفت نسبت به معروف و منکر

شناخت یک مسئله اولین راه ورود بدان مفهوم می‌باشد و تا زمانی که معرفت صحیحی نسبت به مسئله‌ای حاصل نشود پرداختن بدان بی فایده خواهد بود.

هدف از امر به معروف و نهی از منکر، تصحیح مسیر فرد و جامعه در راه رسیدن به کمال است. کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، چون سوزن‌بانی است که با تصحیح مسیر، قطار را در رسیدن به مقصد یاری می‌کند. بدون شک سوزن‌بان باید مسیرها را بشناسد و مقصدها را بداند تا هر قطاری را به مسیر صحیح، هدایت کند. (مدنی بجستانی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۵۳).

آمر به معروف و نهی از منکر نیز باید بدانند که صلاح و کمال فرد و جامعه در چه اموری است؛ تا به آنها امر کند و نیز بدانند چه چیز جامعه و فرد را به تباهی می‌کشاند؛ تا از آن نهی کند انسانی که معروف و منکر را نمی‌شناسد، درد و درمان را تشخیص نمی‌دهد و نمی‌داند بایدها و نبایدها کدامند و امر به معروف در کجا شایسته و نهی از منکر در چه جایی بایسته است، چگونه می‌خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند و اگر امر به معروف و نهی از منکر کند، چگونه می‌توان انتظار داشت که این امر و نهی به حال فرد یا جامعه، مفید باشد؟ (همان).

احتمال تأثیر گذاری

وقتی احتمال داده بشود که امر به معروف و نهی از منکر، تأثیری ندارد، انجام آن بی فایده خواهد بود.

امر به معروف و نهی از منکر برای احیای معروف‌ها و از بین بردن منکرات است و به تعبیر دیگر «واجب طریقی» است؛ یعنی تنها امر و نهی، مطلوب خداوند و خواسته او نیست، بلکه آن چه خواسته اوست، انجام گرفتن معروف‌ها و از بین رفتن منکرات است و امر به معروف و نهی از منکر، وسیله ای برای تحقق این هدف شمرده می‌شود. با توجه به این نکته به خوبی روشن می‌شود که یکی از شرایط ضروری این است که امر و نهی مؤثر باشد و موجب انجام معروف و از بین رفتن منکر شود و یا لاقلاً احتمال تأثیر داده شود، ولی اگر انسان بداند سخن او اثری ندارد و در جلوگیری از منکر، تأثیری ندارد و موجب انجام معروفی نخواهد شد. در این صورت، وظیفه ای در قبال این گناه و گناهکار نخواهد داشت. (همان).

این شرط، بسیار روشن و بدیهی است. پزشکی که می‌داند این دارو برای این مریض، فایده ای ندارد، نباید با تجویز دارو، باعث اتلاف وقت خویش و سرمایه مریض شود. (همان).

امام خمینی در باره این شرط می‌نویسد: وجوب امر به معروف و نهی از منکر، با ظن به عدم تأثیر ساقط نمی‌شود؛ هر چند این ظن و گمان قوی باشد. بنابر این با احتمال تأثیر - احتمالی که در نظر عقلا مورد اعتنا باشد - امر به معروف واجب می‌شود. (خمینی، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۴۶۷).

نداشتن پیامدهای ناگوار

گاهی بازداشتن فرد یا جامعه از یک گناه و یا واداشتن آنان به یک وظیفه الهی، عواقب و پیامدهایی دارد که متوجه شخص آمر و ناهی، جامعه مسلمین و یا دین خدا می‌شود. در این جا باید با توجه به قاعده اهم و مهم، دقت بسیار کرد که کدامیک از نظر خداوند، دارای اهمیت بیشتری است. آیا امر به معروف و نهی از منکر ضروری تر و مهم تر است یا پیامدهای ناگوار آن؟ (مدنی بجستانی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۶۸ و ۶۹).

بدون شک، هر دارویی دارای عوارض جانبی است، اما گاهی عوارض جانبی یک دارو اندک و در مقابل درمان درد، قابل تحمل است و گاهی برعکس، عوارض جانبی دارو، بسی سهمگین تر از درد و مرض کنونی است و در این صورت هیچ پزشک عاقلی چنین دارویی را تجویز نخواهد کرد. بی تردید امر به معروف و نهی از منکر، که در سایه آن، جان مؤمنی از بین می‌رود، آبروی شخصی در معرض خطر قرار می‌گیرد و یا افرادی از دین‌گريزان می‌شوند، صحیح نیست و زیان آن از سودش بیشتر است. (همان).

در بعضی از موارد سکوت به عنوان یک سلاح لازم است، چنان که همین امر در کلام و احادیث معصومین (ع) نیز وارد شده است.

امیر مومنان حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«وَاللَّهِ، لَوْ نَادَيْتُ فِي عَسْكَرِي هَذَا بِالْحَقِّ الَّذِي أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ وَأُظْهِرْتُهُ وَدَعَوْتُ إِلَيْهِ وَشَرَحْتُهُ وَفَسَّرْتُهُ عَلَى مَا سَمِعْتُ مِنْ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا بَقِيَ فِيهِ إِلَّا أَقْلُهُ وَأَذْلُهُ وَأَرْدَلُهُ، وَلَا سَتَوْحَشُوا مِنْهُ، وَلَتَفَرَّقُوا عَنِّي، وَ لَوْ لَا مَا عَهَدَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَيَّ وَ سَمِعْتُهُ مِنْهُ وَ تَقَدَّمَ إِلَيَّ فِيهِ لَفَعَلْتُ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ قَالَ: كُلُّ مَا اضْطُرَّ إِلَيْهِ الْعَبْدُ فَقَدْ أَحَلَّهُ اللَّهُ لَهُ وَ أَبَاحَهُ إِيَّاهُ» (مجلسی، ج ۷۵، ص ۴۱۳)؛

به خدا سوگند اگر آن حقیقتی را که خداوند بر پیامبرش نازل فرمود، در میان این لشکر فریاد می زد، و آن را بر اساس آنچه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیده ام هویدا می ساختم و به آن دعوت می کردم و شرح و تفسیرش می نمودم، در این سپاه جز کمترین و ضعیف ترین و پست ترین آن کسی باقی نمی ماند و همه از آن می رمیدند و از گرد من پراکنده می شدند. اگر نبود سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله به من و آنچه از او شنیدم و در باره آن به من فرمان داد، هر آینه این کار را می کردم. لیکن رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر چیزی را که آدمی بدان ناچار شود، خداوند آن را برای او حلال و مباح ساخته است.»

مراحل امر به معروف و نهی از منکر

مرحله اول: اظهار خشم و نفرت

بدون تردید قدم اول در امر به معروف و نهی از منکر اظهار ناراحتی است تا طرف مقابل نیز متوجه اشتباهات خودش شده و از این طریق به اصلاح مبادرت کند.

اولین مرحله از مراحل امر به معروف و نهی از منکر، تنها اظهار ناخرسندی و نفرت از منکر است. گاهی برخی از افراد بدون توجه و آگاهی، مرتکب منکری می شوند و یا معروفی را ترک می کنند، ولی آمادگی آنان برای هدایت و اصلاح به حدی است که تنها اظهار خشم و ناخشنودی، آنها را به عمل ناپسند خود آگاه کرده، موجب اصلاح و هدایت آنان می شود. در این صورت، نیاز به هیچ اقدامی، حتی گفتار نیست و تنها روترش کردن و اخم بر چهره داشتن، امر به معروف و نهی از منکر محسوب می شود. (مدنی بجستانی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۷۹).

مولای متقیان حضرت علی (ع) در این رابطه می فرمایند:

«أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ نُلْقِيَ أَهْلَ الْمَعَاصِي بِوُجُوهِ مُكْفَرَةٍ، (عاملی، ۱۳۷۶ق، ج ۱۱، ص ۴۱۳)؛ یعنی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ما را فرمان داد که با صورت های درهم کشیده و عبوس، با گناهکاران روبه رو شویم.»

مرحله دوم: امر به معروف و نهی از منکر از طریق گفتمان

گفتگو یکی از همان مراحل است که باید زمانی طی شود که امیدی به مرحله اول نباشد. یعنی شخص مورد نظر با اظهار ناراحتی و خشم متوجه عمق مسئله نشده است و در اینجاست که باید از طریق گفتگو و مذاکره کار را به پیش برد. یکی از این موارد همان گفتگوی مولای متقیان حضرت علی (ع) است که در کتاب احتجاج طبرسی نیز بدان اشاره شده است:

وقتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درگذشت و امیرمؤمنان (علیه السلام) به کار تجهیز او مشغول شد، اندکی از مردم در سقیفه گرد آمدند و با زیر پا گذاشتن بیعت های مکرر با علی (علیه السلام) - که به فرمان رسول خدا و در محضر او انجام یافته بودند - به فکر تعیین خلیفه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) افتادند و پس از جریانات مفصلی، با ابوبکر، بیعت کردند و بعد به مسجد آمده، مردم را به اجبار به بیعت با وی فراخواندند و به امیرمؤمنان (علیه السلام) گفتند: تو نیز بیعت کن. (طبرسی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۱۸۲).

آن حضرت برای بازداشتن آنان از منکر بزرگ تغییر رهبری الهی امت و دعوت آنان به معروف بزرگ ولایت و امامت، شروع به استدلال کرد و حقانیت و ویژگی های خویش و بیعت غدیر را به یادشان آورد. با این بیان امیرمؤمنان (علیه

السَّلام)، فریادها بالا گرفت و عمر که احساس کرد ممکن است. مردم گرد علی (علیه السَّلام) جمع شده، سخنانش را بپذیرند، مجلس را بر هم زد و مردم را متفرق کرد. (همان).

مرحله سوم: اقدام عملی

مرحله سوم یعنی اقدامات عملی، آخرین مرحله از مراحل سه گانه امر به معروف و نهی از منکر است و در جایی است که از دو مرحله اول بتوان به نتیجه رسید که در این صورت آخرین مرحله را طی خواهیم نمود.

برای زدودن منکرات از چهره جامعه و واداشتن افراد به رعایت حدود الهی، تنها به گفتار نمی توان بسنده کرد. از این رو، خداوند به مسلمانان فرمان داده که به هنگام لزوم، با اقدامات عملی خود، از شکسته شدن مرزهای الهی، پاسداری کنند. شاید در آغاز، چنان به نظر رسد که منظور از اقدامات عملی، زدن، بستن، کشتن و اقداماتی از این قبیل است، ولی حقیقت این است که گستره اقدامات عملی، بسیار فراتر از این امور است و شیوه‌های مختلفی را دربر می‌گیرد. (مدنی بجستانی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۱۰۱).

امر به معروف چند مرحله دارد؟ بیش تر قریب به اتفاق فقها برای امر به معروف و نهی از منکر، سه مرحله را تبیین کرده اند. شیخ طوسی در این باره می‌نویسد: امر به معروف و نهی از منکر، در سه مرحله واجب است: قلب و زبان و دست. (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۹۹). محقق حلی نیز در این باره می‌فرماید: مراحل نهی از منکر، سه مرحله است: ۱. به قلب (این مرحله، مطلقا واجب است). ۲. به زبان. ۳. به دست. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۷۴).

به نظر می‌رسد این نوع تقسیمات به روایات و احادیث برگشت می‌کند؛ چنانکه در یکی از همین روایات چنین آمده است: «عن ابی جعفر (علیه السَّلام): فَأَنْكِرُوا بِقُلُوبِكُمْ وَ الْفُطُورِ بِاللِّسَانِ... (عاملی، ۱۳۷۶ق، ج ۶، ص ۴۰۳)؛ از امام باقر (علیه السَّلام) در حدیثی می‌فرماید: (منکر را به ترتیب) با قلب و زبانتان انکار کنید».

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم

آیات بسیاری در قرآن کریم چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم در این رابطه وارد شده است که تنها به چند مورد اشاره می‌شود:

آیه اول در امر به معروف و نهی از منکر

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (سوره توبه، آیه ۷۱)؛

یعنی مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند. امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند. نماز را برپا می‌دارند. و زکات را می‌پردازند. و خدا و پیامبرش را اطاعت می‌کنند. بزودی خدا آنان را مورد رحمت (خویش) قرار می‌دهد. خداوند توانا و حکیم است».

در مقابل جوش و خروش منافقان مؤمنان بودند که از دل و جان دوستدار یکدیگر بودند و در کارهای مهم و ارزشمند اسلامی یار و یاور هم. امر به معروف می‌کردند و نهی از منکر و نماز بر پای می‌داشتند و زکات می‌دادند و همه واجبات اجتماعی و اقتصادی را به جای می‌آوردند و در برابر خدا و رسول خدا مطیع بودند. (مدرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۴، ص ۱۸۶).

در مخزن العرفان نیز چنین می‌خوانیم:

پس از بیان سنجیه منافقین و تنقید و مذمت از اعمال شوم آنان و بدی عاقبتشان در مقابل آن چنانچه عادت قرآن بر اینکه است که هر جا ذکری از کفار و اشقیاء و خسران و مآل کارشان بجهنم و دار عذاب ذکری شود از مؤمنین و مآل امر آنها و آنچه از بهشت و دار کرامت بآنها وعده داده شده تذکر می‌دهد تا اینکه انسان همیشه بین خوف و رجاء باشد. (امین، ۱۳۸۹ش، ج ۶، ص ۷۳).

در اینکه آیه شش فضیلت نیکو که از اعمال حسنه مؤمنین بشمار میرود تذکر می‌دهد: بعضی از مؤمنین دوست داران بعضی دیگرند، البته ایمانی که در قلب آنها نفوذ نموده دوستی واقعی بین افراد مؤمنین ایجاب می‌نماید زیرا که ایمان به خدا جاذبهئی است در قلب مؤمنین که هر یک را بسوی دیگری از آنها می‌کشاند و ارتباط کامل بین آنها استوار می‌گردد این است که همه مؤمنین با هم دوست صمیمی می‌باشند و همین دوستی آنها است که هر یک دیگری را امر به معروف و نهی از منکر می‌نماید و اینکه دو صفت دیگری است از سنجیه خوب آنها چهارم و پنجم از اعمال نیک مؤمنین اینک است که نماز را بیای می‌دارند و زکوة مال خود را می‌دهند، صلاة و زکوة پس از ایمان دور کنند و به منزله دو ستونند که ایمان بدون اینکه دو رکن پایدار نخواهد گردید. ششم: مؤمنین کسانی می‌باشند که خدا و رسولش را مطیع و فرمانبردارند در مقابل حکم رسول صلی الله علیه و آله و سلم که حکم او همان حکم خدا است از خود هیچ ارادهئی ندارند چون و چرا در فرمان برداری آنها نیست. (همان).

آیه دوم در امر به معروف و نهی از منکر

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۱۰)؛

یعنی، شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اید. (چه این که) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی) ایمان می‌آوردند، برای آنها بهتر بود. (ولی تنها) کمی از آنها با ایمانند. و بیشتر آنها فاسق‌اند، (و خارج از اطاعت پروردگار)».

پس امت به معنای جمعیت یا فردی است که هدفی را دنبال می‌کنند و ذکر ایمان به خدا بعد از ذکر امر به معروف و نهی از منکر، از قبیل ذکر کل بعد از جزء و یا ذکر اصل بعد از فرع است. پس معنای آیه این می‌شود؛ که شما گروه مسلمانان بهترین امتی هستید که خدای تعالی آن را برای مردم و برای هدایت مردم پدید آورده و ظاهر ساخت. چون شما مسلمانان همگی ایمان به خدا دارید، و دو تا از فریضه‌های دینی خود یعنی امر به معروف و نهی از منکر را انجام می‌دهید. و معلوم است که کلیت و گستردگی این شرافت بر امت اسلام، از این جهت است که بعضی از افرادش متصف به حقیقت ایمان، و قائم به حق امر به معروف و نهی از منکرند، این بود حاصل آنچه که مفسرین در این مقام گفته‌اند. (طباطبایی، ج ۳، ص ۵۸۲ و ۵۸۳).

نکته جالب توجه اینکه در این آیه مسلمانان به عنوان بهترین "امتی" معرفی شده که برای خدمت به جامعه انسانی بسیج گردیده است؛ و دلیل بهترین امت بودن آنها این ذکر شده که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و ایمان به خدا دارند و

این خود می‌رساند که اصلاح جامعه بشری بدون ایمان و دعوت بحق و مبارزه با فساد ممکن نیست، و ضمناً از آن استفاده می‌شود که این دو وظیفه بزرگ با وسعتی که در اسلام دارد در آئین‌های پیشین نبوده است. اما چرا این امت بهترین امتها باید باشد آن نیز روشن است زیرا آنها دارای آخرین ادیان آسمانی هستند و آخرین دین روی حساب تکامل کاملترین آنها است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۸).

خداوند در این آیه دستور امر به معروف و نهی از منکر به صورت یک دستور عام بیان می‌کند و آن را از ویژگی‌های امت اسلامی می‌شمرد؛ به این معنا که در امت اسلامی به صورت یک اصل اصیل آمده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۵۴).

این آیه به روشنی بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد و این که این دو فریضه از فرائض واجب الهی، در ردیف ایمان به خداست. (نوری همدانی، بی تا، ص ۲۴).

آیه سوم در امر به معروف و نهی از منکر

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۰۴)؛

و (برای رسیدن به وحدت) باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند و رستگاران آنها هستند».

علامه طبرسی در تفسیر این آیه شریفه می‌نویسد:

در باره «من» (منکم) دو قول است:

۱- برای تبعیض است، زیرا امر به معروف و نهی از منکر از واجبات کفایی است و (فقط) کسی صلاحیت آن را دارد که اولاً: «معروف» و «منکر» را بشناسد و ثانياً روش امر به معروف و نهی از منکر را بداند، زیرا اگر به این دو شرط جاهل باشد، بسا ممکن است به منکر امر و از معروف نهی کند؛

۲- برای «تبيين» است و جمله «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ» به معنی و کونوا امة می‌باشد مانند آیه: كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ، «شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شدید (چه این که) امر به معروف می‌کنید». (سوره آل عمران، آیه ۱۱۰) و «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» فقط اینها شایسته رستگاری اند، نه دیگران. خدای سبحان نخست دعوت به خیر (دین) را ذکر فرموده، زیرا در بین همه تکالیف تکلیفی عام و همگانی است، ولی امر به معروف و نهی از منکر را چون تکلیف خاصی است در مرتبه دوم ذکر کرده است. (طبرسی، بی تا، ج ۱، ص ۴۶۳ و ۴۶۴).

در تفاسیر روایی، حول محور آیه شریفه به مطالب جالبی بر خواهیم خورد؛ از جمله آنکه: علی بن ابراهیم، از ابو جارود، از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» در باره خاندان محمد صلوات الله عليهم اجمعین و پیروان آنها می‌باشد؛ آنها هستند که: «يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۳۳).

و نیز آمده است: ابو علی طبرسی از امام صادق علیه السلام این گونه نقل کرده است: «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ» یعنی باید در میان شما امامانی باشند. و «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» و شما بهترین امامانی بودید که برای مردم، تعیین شدید. (همان، ج ۳، ص ۱۳۴).

آیه چهارم در امر به معروف و نهی از منکر

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (سوره حج، آیه ۴۱)؛

همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت ببخشیم، نماز را برپا می دارند، و زکات می دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه کارها از آن خداست!.

شیخ طوسی از عالمان و دانشمندان بزرگ جهان اسلام در رابطه با این آیه شریفه چنین می نویسد:

این آیه بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد. (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۳۲۳). چون خدا به هر چه رغبت کند، قطعاً آن را خواسته است و هر چه از بنده خواسته است، واجب خواهد بود، مگر دلیل باشد که مستحب است؛ زیرا این (دلیل خواستن) مقتضای احتیاط است. (همان).

تمکین، قدرت بخشیدن و ابزار کار را در اختیار دیگری قرار دادن و راهنمایی کردن بر انجام کار است؛ یعنی ما به آنها وسائل کارها را عطا کردیم و در زمین قدرت بخشیدیم تا نماز بگزارند و حقوق واجب مالی را ادا کنند. (طبرسی، ج ۱۶، ص ۲۲۲).

و امر بمرعوف و نهی از منکر کنند. معروف حق و منکر باطل است، زیرا حق، صحتش شناخته شده و باطل ممکن نیست که صحتش شناخته شود. این جمله دلالت دارد بر وجوب امر بمرعوف و نهی از منکر. زجاج گوید: این آیه وصف کسانی است که خدا را یاری کنند. امام باقر می فرماید: مصداق این آیه، به خدا مائیم. (همان).

اگر قدرت و امکانات، در دست افراد صالح باشد، بهره برداری صحیح می کنند و اگر در اختیار ناهلان قرار گیرد سوء استفاده می کنند. بنابراین دنیا و قدرت، برای گروهی نعمت و برای گروهی وسیله ی بدبختی است و قرآن از هر دو نمونه یاد کرده است؛ اگر مؤمنان به قدرت برسند، به سراغ نماز و زکات و امر به معروف می روند ولی انسان های منحرف و ناهل، اگر قدرتمند شوند کارشان طغیان است. (قرائتی، ج ۶، ص ۵۱).

امر به معروف و نهی از منکر، به قدرت نیاز دارد. و اولین ثمره ی حکومت صالحان، نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر است. و همچنین جامعه ای تحت حمایت خداوند است که این چهار ارزش محوری را داشته باشد: نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر. (همان، ج ۶، ص ۵۱ و ۵۲).

این آیه بیان کسانی است که خدا را یاری می کنند، البته یاری خدا یاری دین خداست، وگرنه خدا به یاری حاجت ندارد؛ این آیه نیز همین را بیان می کند یعنی یاران خدا کسانی هستند که اگر در دنیا به آنها قدرت دادیم اینکار را انجام می دهند و دین خدا را یاری می کنند، خدا نیز آنها را یاری می کند. (قرشی، ۱۳۷۴ش، ج ۷، ص ۵۷).

آیه پنجم در امر به معروف و نهی از منکر

«لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ، يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْمِنُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (سوره آل عمران، آیات ۱۱۳ و ۱۱۴)؛
 آنها یکسان نیستند. (زیرا) گروهی از اهل کتاب، (به حق و ایمان) قیام می کنند. و پیوسته در اوقات شب، آیات خدا را می خوانند. در حالی که سجده می نمایند. به خدا و روز واپسین ایمان می آورند. امر به معروف و نهی از منکر می کنند. و در انجام کارهای نیک، بر یکدیگر پیشی می گیرند. و آنها از صالحان اند.»

مساوی نیستند تمام اهل کتاب بلکه یک جماعتی از آنها هستند که قیام کردند در امر دین و در دل‌های شب تلاوت آیات قرآنی می نمودند و به عبادت خدا می پرداختند و در پیشگاه احدیت بخاک می افتادند. و نیز لیسوا سواء این جمله مستقله است یعنی تمام اهل کتاب یک نحوه نیستند بلکه خوب و بد دارند، بعد بیان می فرماید خوبان آنها را. (طیب، بی تا، ج ۳، ص ۳۱۷ و ۳۱۸).

و گفته اند: امر به معروف و نهی از منکر در ادیان گذشته هم مطرح بوده است. قرآن امر به معروف را قبل از نهی از منکر می آورد. آری، اگر کارهای شایسته رواج یابد کارهای ناپسند کم تر می شود؛ برای مثال، اگر ازدواج رواج یابد و آسان شود و جوانان به کار و ورزش و عبادات اشتغال داشته باشند، کارهای ناپسند و فحشا و فسادهای مالی کم تر می شود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ج ۳، ص ۲۲۸).

فعل‌های آیه فوق به صورت مضارع آمده است؛ زیرا افراد صالح کسانی هستند که همواره امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در کار خیر پیشی می گیرند، نه به طور موقت و موسمی. (همان).

احادیث پیرامون امر به معروف و نهی از منکر

بدون شک احادیث بسیار زیادی در محوریت امر به معروف و نهی از منکر وارد شده است؛ چنانکه اگر خواستار پرداختن به همه آنها باشیم قطعاً از حوصله این تحقیق خارج است. بنابراین سعی از ابتدا هم بر این مطلب بوده است؛ که مهم ترین آنها را مورد بررسی و کند و کاو قرار بدهیم تا از این طریق این تحقیق به مطلوب خود دست یابد.

احادیث گروه اول در امر به معروف و نهی از منکر

«رسول الله صلی الله علیه و آله:

مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِهِ» (نوری، بی تا، ج ۱۲، ص ۱۷۹)؛
 هر که امر به معروف و نهی از منکر کند؛ او جانشین خدا در زمین و جانشین رسول اوست.»

«الإمامُ عليُّ عليه السلام:

غَايَةُ الدِّينِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ إِقَامَةُ الْحُدُودِ» (تمیمی آمدی، بی تا، ح ۶۳۷۳)؛

امام علی علیه السلام: نهایت دین، امر به معروف و نهی از منکر و بر پا داشتن حدود (الهی) است.»

«عن علي عليه السلام:

قَوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ إِقَامَةُ الْحُدُودِ» (همان، ۱۳۶۰ش، ح ۶۸۱۷)؛

امام علی علیه السلام: قوام شریعت به امر به معروف و نهی از منکر و بر پا داشتن حدود (الهی) است.»

احادیث گروه دوم در امر به معروف و نهی از منکر

«عن علی علیه السلام فی وصیته لمحمد بن الحنفیه:

وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ؛ فَإِنَّ اسْتِثْمَامَ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ، (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۸۷)؛

امام علی علیه السلام در سفارش به محمد بن حنفیه فرمود: به خوبی فرمان ده تا اهل آن باشی؛ زیرا تمامیت و کمال کارها نزد خداوند تبارک و تعالی امر به معروف و نهی از منکر است.»

عن علی علیه السلام:

و ما أعمال البر کُلُّها و الجهاد فی سبیل اللّٰه عند الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر إلا کففتة فی بحر لجی، (سید رضی، ۱۳۸۴ش، حکمت ۳۷۴)؛

امام علی علیه السلام: همه کارهای خوب و جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر نیست، مگر همچون آب دهانی که در دریایی ژرف انداخته شود.»

«عنه علیه السلام لرجل قال له فی وقعة صفین:

رجعُ إلى عراقک و ترجعُ إلى شامنا: لقد عرفتُ أنما عرضتَ هذا نصيحةً و شفقةً..... إنَّ اللّٰهَ تبارک و تعالی لم یرض من أولیائه أن یعضی فی الأرض و هم سکوت مُدعون لا یأمرون بالمعروف و لا ینهون عن المنکر، فوجدت القتال أهون علی من معالجة الأغلال فی جهنم، (المنقري، ۱۳۸۲ق، ص ۴۷۲)؛

امام علی علیه السلام خطاب به مردی که در جنگ صفین به آن حضرت گفت: تو به عراق خود برگرد و ما به شامان بر می‌گردیم فرمود: می‌دانم که این سخن تو از روی خیرخواهی و دلسوزی است..... خداوند تبارک و تعالی راضی نمی‌شود که در زمین نافرمانی شود و دوستان او خاموش بنشینند و دم بر نیاورند و امر به معروف و نهی از منکر نکنند. بنابراین، من جنگیدن را آسان‌تر از کند و زنجیرهای دوزخ یافتم.»

احادیث گروه سوم در امر به معروف و نهی از منکر

«عن علی علیه السلام فی قوله تعالی: «و اصبر علی ما أصابک»:

مِنَ الْمَشَقَّةِ وَ الْأَذَى فی الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر، (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۷، ص ۳۲۲)؛

امام علی علیه السلام درباره آیه «و در برابر هر آن چه به تو می‌رسد صبر کن» فرمود: مقصود سختی‌ها و آزارهایی است که در راه امر به معروف و نهی از منکر به انسان می‌رسد.»

«الإمام الباقر علیه السلام:

الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر خلقان من خلق اللّٰه عزّ و جلّ فمن نصرهما أعزه اللّٰه و من خذلهما خذله اللّٰه عزّ و جلّ، (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۳۲)؛

امام باقر علیه السلام: امر به معروف و نهی از منکر دو خوی از خوهای خداوند عزّ و جلّ هستند. هر که آنها را یاری دهد خداوند عزّتش بخشد و هر که تنهایشان گذارد خداوند عزّ و جلّ او را تنها گذارد.»

«الإمامُ الباقِرُ أو الإمامُ الصّادقُ عليهما السلام:

وَيْلٌ لِمَنْ لَا يَدِينُ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، (كوفی اهوازی، بی تا)؛

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: وای بر کسی که با امر به معروف و نهی از منکر، خدا را دینداری نکند».

احادیث گروه چهارم در امر به معروف و نهی از منکر

«رسولُ اللهِ صلی اللهُ علیه و آله:

جاءني جبرئيلُ فقال لي: يا أحمدُ، الإسلامُ عشرةُ أسهمٍ:.... السَّابِغَةُ: الأمرُ بالمَعْرُوفِ، وَهُوَ الْوَفَاءُ، (صدوق، بی تا، ص ۲۴۹)؛

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای احمد! اسلام ده بخش است..... هفتمین بخش آن امر به

معروف است و آن [نشانگر] وفاست».

«الإمامُ علیُّ علیه السلام:

الأمرُ بالمَعْرُوفِ أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْخَلْقِ، (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰ ش، ح ۱۹۷۷)؛

امر به معروف برترین کارهای آفریدگان است».

«عن علی علیه السلام:

فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظُهُورَ الْمُؤْمِنِينَ، (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ ش، ج ۷، ص ۳۲۳)؛

کسی که امر به معروف کند، مسلمانان را تقویت و پشتیبانی کرده است».

«عن علی علیه السلام:

فَرَضَ اللَّهُ..... وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِّ، (همان)؛

امام علی علیه السلام: خداوند امر به معروف را برای اصلاح عموم مردم واجب فرمود».

احادیث گروه پنجم در امر به معروف و نهی از منکر

«رسولُ اللهِ صلی اللهُ علیه و آله:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِيُبْغِضَ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا زَبْرَ لَهُ وَ قَالَ: هُوَ الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ، (صدوق، ص ۳۴۴)؛

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند تبارک و تعالی مؤمن ضعیفی را که هیبت و صلابت ندارد دشمن می‌دارد. آن

حضرت فرمود: او کسی است که نهی از منکر نمی‌کند».

«عن رسول الله صلی اللهُ علیه و آله:

لَا يَنْبَغِي لِنَفْسٍ مُؤْمِنَةٍ تَرَى مَنْ يَعْصِي اللَّهَ فَلَا تُنْكَرُ عَلَيْهِ، (متقی هندی، ۱۳۹۷ ق، ح ۵۶۱۴)؛

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ انسان مؤمنی را نشاید، که ببیند کسی نافرمانی خدا می‌کند و بر او خرده نگیرد».

«الإمامُ علیُّ علیه السلام:

ظَهَرَ الْفَسَادُ فَلَا مُنْكَرٌ مُغَيَّرٌ وَ لَا زَاجِرٌ مُزْدَجِرٌ، (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ ش، ج ۷، ص ۳۲۴)؛

امام علی علیه السلام: فساد و تباهی آشکار گشته، اما نه کسی پیدا می‌شود که اعتراض کند و درصدد تغییرش بر آید و نه

کسی که نهی کند و مردم را از آن باز دارد».

«عن علی علیه السلام:

فَرَضَ اللَّهُ..... النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلسُّفْهَاءِ، (همان)؛

امام علی علیه السلام: خداوند..... نهی از منکر را برای باز داشتن سبک سران (از زشت کاری) واجب فرمود.»

احادیث گروه ششم در امر به معروف و نهی از منکر

«عن علی علیه السلام:

وَمَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أَنْوَافَ الْكَافِرِينَ (الْمُنَافِقِينَ)، (همان)؛

امام علی علیه السلام: و هر که نهی از منکر کند، بینی کافران (منافقان) را به خاک مالد.»

«الإمامُ الحسینُ علیه السلام:

كَانَ يُقَالُ: لَا تَحِلُّ لِعَيْنٍ مُؤْمِنَةٍ تَرَى اللَّهَ يُعْصِي فَتَطْرِفُ حَتَّى يُغَيِّرَهُ، (ابی فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۷۹)؛

امام حسین علیه السلام: گفته می‌شد: بر هیچ چشم مؤمن به خدا روا نیست که ببیند خدا نافرمانی می‌شود و خود را فرو بندد مگر آن وضع را تغییر دهد.»

«الإمامُ الصَّادِقُ علیه السلام: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ، فَقِيلَ لَهُ: وَمَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ؟ قَالَ: الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ، (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۵۹)؛

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عز و جل از مؤمن ضعیفی که دین ندارد نفرت دارد. عرض شد: مؤمنی که دین ندارد کیست؟ فرمود: کسی که نهی از منکر نمی‌کند.»

«عنه علیه السلام: إِذَا رَأَى الْمُنْكَرَ فَلَمْ يُنْكِرْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ (يَقْوَى) عَلَيْهِ فَقَدْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصِيَ اللَّهَ، وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصِيَ اللَّهَ فَقَدْ بَارَزَ اللَّهَ بِالْعَدَاوَةِ، (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۶۰)؛

امام صادق علیه السلام: هر گاه [کسی] منکر را ببیند و بتواند اعتراض کند و نکند، در واقع دوست داشته است که خدا نافرمانی شود، و هر که دوست داشته باشد خدا نافرمانی شود، به دشمنی با خدا برخاسته است.»

«عن علی علیه السلام لِقَوْمٍ مِنْ أَصْحَابِهِ:

إِنَّهُ قَدْ حَقَّ لِي أَنْ آخُذَ الْبَرِيءَ مِنْكُمْ بِالسَّقِيمِ، وَ كَيْفَ لَا يَحِقُّ لِي ذَلِكَ وَ أَنْتُمْ يَبْلُغُكُمْ عَنِ الرَّجُلِ مِنْكُمْ الْقَبِيحُ وَ لَا تُتَكْرَمُونَ عَلَيْهِ وَ لَا تَهْجُرُونَهُ وَ لَا تُؤْذُونَهُ حَتَّى يَتْرُكَهُ؟!، (طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۶، ص ۱۸۱)؛

امام صادق علیه السلام خطاب به گروهی از اصحاب خود فرمود: من حق دارم بی گناه شما را به سبب گناه کارتان مؤاخذه کنم. چرا حق نداشته باشم، در حالی که وقتی شما از کار زشت فردی از افراد خود خبردار می‌شوید به او اعتراض نمی‌کنید و با وی قهر نمی‌کنید و اذیتش نمی‌کنید تا از کار زشت خود دست بردارد.»

نتیجه گیری

امر به معروف و نهی از منکر یکی از مسائل بسیار مهم در دین مبین اسلام است. این فریضه واجب از فروع دین اسلام به شمار می‌آید. این فریضه واجب مراحل و شرایط خاص خودش را خواهد داشت. از طرفی مبانی امر به معروف و نهی

از منکر، هم شامل مبانی عقلی و هم شامل مبانی عقلی است؛ و در واقع این دو در کنار هم یک حکم شرعی را تشکیل خواهند داد. این مسئله هم شامل دلایل قرآنی و هم شامل دلایل متعدد روایی است. بزرگترین دستاورد این تحقیق، بررسی جایگاه امر به معروف و نهی از منکر، از منظر قرآن کریم و احادیث معصومان بود. این واجب فراموش شده جایگاه مهمی داشته و اگر در جامعه اسلامی کسی به انجام آن مبادرت نکند، چه ضررها و آسیب‌هایی گریبان‌گیر خود او و جامعه خواهد شد. اگر این فریضه واجب در جامعه به دست فراموشی سپرده شود و بدان عمل نشود، سبب نابودی خود آن جامعه خواهد شد.

منابع

قرآن کریم.

- نهج البلاغه (۱۳۸۴ش)، ترجمه استاد محمد دشتی، قم: انتشارات فرایض.
- عابدی میانجی، محمد (۱۳۹۲ش)، امر به معروف و نهی از منکر در آینه قرآن، قم: نشر معروف.
- اصفهانی، راغب (۱۳۸۱ق)، معجم مفردات الفاظ القرآن، مصر: مکتبه المرتضویه احیاء الآثار.
- عمید، حسن (۱۳۹۳ش)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- معین، محمد (۱۳۹۱ش)، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ربانی، سید جعفر (۱۳۹۳ش)، امر به معروف و نهی از منکر در آینه تقوا، قم: نشر معروف.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- خسرویناه، عبدالحسین (۱۳۹۸ش)، اسلام شناسی، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- انصاری، محمد علی (۱۴۱۵ق)، الموسوعه الفقهيہ الميسره و يليها الملحق الاصولی، قم: مجمع الفكر الاسلامی.
- مدنی بجستانی، محمود (۱۳۹۲ش)، امر به معروف و نهی از منکر: دو فریضه برتر در سیره معصومین علیهم السلام، قم: نشر معروف.
- خمینی، سید روح الله الموسوی (۱۳۷۹ش)، تحریر الوسیله، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۲ش)، بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عاملی، حرّ (۱۳۷۶ق)، وسائل الشیعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب (۱۳۸۱ش)، الاحتجاج، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی (۱۴۰۰ق)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتب العربی.
- مدرسی، محمد تقی (۱۳۷۷ش)، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- نصرت بیگم، امین (۱۳۸۹ش)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، اصفهان: نشر گلبهار.

طباطبایی ، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، تفسیر المیزان ، ترجمه : محمد باقر موسوی همدانی ، قم : دفتر انتشارات اسلامی.

مکارم شیرازی ، ناصر و همکاران (۱۳۸۵ش)، تفسیر نمونه ، تهران : دارالکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی ، ناصر با همکاری جمعی از فضلا (۱۳۷۴ش)، پیام قرآن ، قم : مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).

نوری همدانی ، حسین (بی تا)، امر به معروف و نهی از منکر ، ترجمه : محمد محمدی اشتهاردی ، قم : دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

طبرسی ، ابو علی فضل بن حسن (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر جوامع الجامع ، ترجمه : احمد امیری شاد مهری ، مشهد : بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

بحرانی ، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۸۹ش)، ترجمه تفسیر روایی البرهان ، ترجمه : رضا ناظمیان ، علی گنجیان و صادق خورشیا ، تهران : نشر کتاب صبح.

طوسی ، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن ، بیروت : دارالاحیاء التراث العربی.

طبرسی ، ابو علی فضل بن حسن (بی تا)، ترجمه تفسیر مجمع البیان ، ترجمه و نگارش از احمد بهشتی ، تهران : نشر فراهانی.

قرائتی ، محسن (۱۳۸۷ش)، تفسیر نور ، تهران : مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی ، سید علی اکبر (۱۳۷۴ش)، تفسیر احسن الحدیث ، تهران : مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت.

طیب ، سید عبدالحسین (بی تا)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن ، تهران : کتابفروشی اسلام.

رضایی اصفهانی ، محمد علی ، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی (۱۳۸۷ش)، تفسیر قرآن مهر ، قم : انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

نوری طبرسی ، حسین (بی تا)، مستدرک الوسائل ، قم : موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.

تمیمی آمدی ، عبدالواحد (۱۳۶۰ش)، غرر الحکم و دررالکلم ، ترجمه و شرح : آقا جمال الدین خوانساری ، تهران : انتشارات دانشگاه تهران.

المنقری ، نصر بن المزاحم (۱۳۸۲ق)، وقعه صفین ، تحقیق : عبدالسلام محمد هارون ، قم : مکتبه آیت الله المرعشی.

محمدی ری شهری ، محمد (۱۳۸۶ش)، میزان الحکمه (با ترجمه فارسی) ، ترجمه : حمیدرضا شیخی ، قم : موسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث.

صدوق ، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۴ق)، الخصال ، قم : موسسه النشر الاسلامی.

کوفی الاهوازی ، حسین بن سعید (بی تا)، الزهد ، قم : مطبوعه العلمیه.

صدوق ، محمد بن علی بن بابویه (بی تا)، علل الشرایع ، بیروت : دار احیاء التراث.

صدوق ، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۱ش)، معانی الاخبار ، تحقیق : علی اکبر الغفاری ، قم : موسسه النشر الاسلامی.

متقی هندی ، علی المتقی بن حسام الدین (۱۳۹۷ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال ، بیروت : مکتبه التراث الاسلامی.
ابی فراس ، ورام (۱۴۱۰ق)، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر و نزهه النواظر) ، قم : مکتبه فقهیه.
کلینی رازی ، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ق)، الکافی ، تحقیق : علی اکبر الغفاری ، بیروت : دار صعب و دارالتعارف.
السلمی السمرقندی (عیاشی) ، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی ، تحقیق : سید هاشم رسولی محلاتی ، تهران :
المکتبه العلمیه.
الطوسی ، محمد بن الحسن (الشیخ الطوسی) ، (۱۴۰۱ق)، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه ، بیروت : دارالتعارف.